

24 اپریل 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

پرچم های مصیبت بار برای افغانستان



در این روزها دو بیرق در جوار هم در بسا از رسانه های افغانستان نظر مردم را به خود جلب کرده است: یکی بیرق سیاه داعش و دیگر بیرق زرد رنگ لشکر فاطمیون. اخیراً نشر این دو بیرق در جوار هم در رسانه های بیرونی نیز راه خود را باز نموده که حضور لشکر فاطمیون را در جوار داعش در افغانستان یک خطر دیگر پنداشته اند.

در اینجا باید گفت که آوازه حضور فاطمیون در افغانستان یک موضوع جدید نیست و این نگرانی از چند سال بدینسو در اذهان عامه موجود بوده، بخصوص چند سال قبل که برنامه های غیرمعمول در روزهای عاشورا متشکل از نمایش جوانان بطور گروهی و با داشتن یک نوع لباس و حرکات منظم در شهر کابل این حدس و گمان را تقویه میکرد که گویا آنها قبلاً تربیت خاص برای همچو برنامه ها دیده اند. اما وقتی در این سه چهار سال اخیر دیگر آن شیوه ها متروک گردید، این نگرانی نیز کم شد. واضح است تا اکنون وجود آشکار لشکر فاطمیون در افغانستان به حیث یک قوه ملیشه نظامی، طوریکه در سوریه و بعضی جا های دیگر دیده میشود، احساس نشده است. ولی اگر روابط افغانستان با ایران طور دیگر انکشاف کند، بخصوص در مورد مهار آب دریا های کشور، آنوقت یکی از گزینه های ایران برای ایجاد نا امنی و فعالیت های تخریبی مثل داعش و طالبان و تهدید بند و انهار کشور خواهد بود که در عین زمان در جهت تحت فشار قراردادن دولت افغانستان احتمال استفاده از این گروه محتمل خواهد بود.

در این ارتباط جا دارد که اگر در جوار دو بیرق (داعش و فاطمیون) یک بیرق دیگر را که از طالبان است، نیز علاوه کرد، زیرا بین دستارها و رنگ بیرق سیاه و سفید روابط باهمی وجود دارد و به گفته بعضی ها این دو رنگ توسط آی اس آی پاکستان انتخاب و عندالموقع از سر و دست یکی به سر و دست دیگر گذاشته میشود. علاوه بعضی ها به این نظر اند که یکی از دلایل نزدیکی طالبان و امریکا و امضای موافقتنامه بین آنها زیر نام صلح در واقع به قدرت رساندن طالبان در افغانستان و یا

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

افلاً اشتراک شان در قدرت این بوده است که امریکا از طالبان به حیث یک قدرت ملیشائی در برابر عروج احتمالی داعش و فاطمیون استفاده نماید. اینکه با این بازی ها سرنوشت افغانستان و مردم آن با چه عواقبی روبرو خواهد شد، برای آنها چندان مطرح نیست.

آنچه امروز در یک مقاله بقلم احمد شفائی تحت عنوان "پرچم فاطمیون در کنار پرچم داعش در آگهی تلویزیونی در افغانستان خبرساز شد" (منتشره وبسایت فارسی/دري بی بی سی، مورخ 23 اپریل 2020) جلب توجه میکند همانا اشاره به اینست که گویا فعلاً هدف ایران در افغانستان بهره برداری مستقیم از فاطمیون نیست، بلکه "ایجاد نفرت از امریکا و نفوذ و حضور در سیاست" کشور است.

در این ارتباط باید گفت که متأسفانه سیاست های اخیر امریکا در قبال افغانستان از جمله وارد کردن فشار بر دولت افغانستان، پیش گرفتن سیاست های دو گانه "دبل استاندارد" که نشانه "سیلی زدن به یک روی و نوازش دادن به دیگر روی" توسط سیاسیون امریکا و هموائی با طالبان، همه عواملی اند که بر شکل گیری روحیه مردم افغانستان در دوستی با امریکا اثر منفی گذاشته و حتی بعضاً این دوستی را زیر سؤال برده است. جای شک نیست که رسانه های معلوم الحال طرفدار ایران در افغانستان با تبصره های مستقیم و غیرمستقیم بر این موضوع دامن میزنند تا روحیه مردم عامه را بیشتر برضدیت با اقدامات اخیر امریکا در کشور تحریک و تقویه نمایند.

اما در عین زمان تلاش ایران مبنی بر اینکه بکوشد عناصر وابسته به خود را در قدرت سیاسی در دولت افغانستان پا برجا نگهدارد، یک امر واضح و آشکار میباشد. حمایت از تیم ثبات و همگرایی به رهبری داکتر عبدالله و تلاش های گروپ میانجی بخصوص حامد کرزی، محقق و خلیلی در این راه بیشتر روی همین هدف صورت میگیرد تا اشرف غنی را مجبور به قبول آن سازند و بار دیگر شیوه منحط حکومت دوسره را به شکلی بر اشرف غنی تحمیل دارند. هرگاه این راه بار دیگر باز شود و مصلحت جای قانون را بگیرد، آنوقت هر بار بازنده انتخابات با توسل به بهانه تقلب میکوشد خود را در قدرت شریک سازد و اینکار را به یک تعامل سیاسی مبدل سازد که در اثر آن قصه قانون اساسی به اصطلاح عامیانه "مفت" خواهد شد و بجای قانون از زور و فشار و بهانه تراشی ها برای رسیدن بقدرت استفاده خواهد شد و بار دیگر جنگ قدرت در میان همه عناصر شامل این حلقات راه خود را باز خواهد کرد و افغانستان را در نهایت با وضع 1992 خواهد کشانید.

در این چند روز اخیر آقای محمد ابراهیم طاهریان نماینده خاص ایران در افغانستان مصروف دیدار با یک تعداد "سیاسیون مطرح" در کابل بوده است. اگرچه جزئیات این صحبت ها ممکن است نظر به هر شخص از هم متفاوت و سلیقه های شخصی در آن نقش داشته باشد، اما بطور عموم طوریکه از فحوای تبصره های برخی از تحلیلگران افغان بر می آید، اینست که ایران پس از آنکه نخواست نماینده آن در محفل تحلیف اشرف غنی اشتراک کند و حتی به او تبریک نگفت و تا هنوز هم از حکومت مشارکتی حمایت میکند، اخیراً متوجه شده است که موقف اشرف غنی به حیث رئیس جمهور روز بروز در داخل و خارج کشور تقویت میگردد و تلاش تیم میانجی نیز به نتیجه نرسیده و اصرار اشرف غنی مبنی بر رعایت قانون اساسی از حمایت مردمی برخوردار است، لذا ایران اکنون میکوشد به ترمیم روابط با اشرف غنی بپردازد. اما واضح است که اشرف غنی شخص مورد نظر ایران نیست و بخصوص موقف او در مورد استفاده از آبهای کشور برای انکشاف در داخل و رویدست گرفتن پروژه های متعدد از جمله اعمار بند ها بر دریا های کشور و نیز تطبیق مواد مندرج معاهده منعده سال 1351 در بین افغانستان و ایران در مورد آب دریای هلمند، آن کشور را نگران ساخته

است. دولت ایران هنوز با همان فکر است که یک بار آقای ظریف وزیر خارجه آن کشور سه سال قبل طی یک مصاحبه در پاسخ به این سوال رضا رشیدپور، مجری تلویزیون ایران که پرسید آیا "ما در قضیه آب هیرمند [هلمند] از پس افغانستان بر نمی‌آییم؟" گفت: «چرا برمی‌آییم. ما می‌توانیم از اهرم‌های مراودات مرزی، مهاجران افغان، موضوع مواد مخدر و تجارت در مورد افغانستان استفاده کنیم اما مثنی ما در مورد همسایگانمان، خصوصاً همسایگان مسلمان تاکنون این بوده که گروکشی نکرده‌ایم».

برای همین منظور ایران نیاز دارد تا عوامل نفوذی آنها در بدنه دولت افغانستان جاگزین باشند و از این ناحیه سخت ناراحت است که اگر عناصر وابسته به آنها از جمله عده ای از "سیاسیون مطرح" از بدنه قدرت دولت بیرون شوند و در اثر آن حربه ایران در افغانستان غیر فعال گردد. لذا آنها کوشش کردند و هنوز هم جداً میکوشند که از تشکیل حکومت دوسره زیر نام "حکومت همه شمول" حمایت کنند تا بدانوسیله بتوانند چندی از وابستگان خود را داخل حکومت افغانستان جابجا سازند. حضور آقای طاهریان در کابل و مذاکراتش با جوانب مختلف و بخصوص با اشخاص معلوم الحال بیشتر به همین هدف بوده است.

سیاست های نا عاقبت اندیشانه زعمای فعلی ایران موجب شده تا این کشور به مصیبت های بزرگ مواجه گردد و مداخلات بیجای آنها در امور دیگر کشور اکنون ایران را در حالت انزوا و بحران بسیار شدید مواجه ساخته است. بهتر خواهد بود ایران به امور داخل کشور خود رسیدگی نماید و در امور دیگران مداخله نکند. برای ایران و پاکستان موجودیت افغانستان با صلح و ثبات و روابط دوستانه بخصوص با همسایگان بسیار مفید است تا اقدامات خود غرضانه.